

(۴۲)

نقد زبانشناختی معادل‌یابی آیات متشابه لفظی در ترجمه حداد عادل

د. محمد حسن امرایی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران.

چکیده

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که با توجه به ساختار زبان عربی و به لحاظ اغراض زبانی و بیانی، عیناً تکرار شده‌اند، اما یکسان ترجمه نمی‌شوند. این ویژگی در قرآن کریم چنان بارز و برجسته است که توجه اغلب مترجمان و مفسران را به خود معطوف داشته است. یکسان‌سازی ترجمه آیات متشابه لفظی، از نکات مهم در زیباشناسی ساختار ترجمه قرآن است. این نکته، در ترجمه قرآن حداد عادل، در اغلب موارد رعایت نشده است. مترجم، در بیشتر موارد، تکرار متوالی آیات متشابه را در سطح یک سوره، یکسان ترجمه کرده است که نمونه بارز آن، آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ در سوره الرحمن است که به طور متوالی سی بار تکرار شده و مترجم برای همه آیات، ترجمه یکسانی ارائه کرده است، اما در سایر موارد که آیات متشابه در سراسر قرآن و در خارج از سطح یک سوره پراکنده هستند، یکسان‌سازی ترجمه آیات را رعایت نکرده است. این مقاله، که با رویکرد توصیفی و تحلیل انتقادی سامان یافته، درصدد است تا ترجمه حداد عادل را از منظر رعایت وحدت رویه در ترجمه آیات متشابه لفظی، بررسی و ارزیابی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مترجم به ترجمه آیات متشابه لفظی توجه کافی نداشته و یکسان‌سازی ترجمه آیات متشابه را در تمامی سطوح آن رعایت نکرده است. این موضوع سبب شده است که ترجمه ایشان از نظر روشمندی در یکسان‌سازی ترجمه آیات متشابه لفظی وضعیت مطلوبی نداشته باشد..

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، حداد عادل، آیات متشابه لفظی، یکسان‌سازی ترجمه، وحدت رویه در ترجمه.

۱- مقدمه

ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی یکی از پرچالش‌ترین بخش‌های ترجمه است که رسالت آن، توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی و انتقال آموزه‌ها و تعالیم وحیانی به فرهنگ فارسی است. از جمله مهم‌ترین اصولی که تا کنون در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، مغفول مانده است، اصل یکسان‌سازی و هماهنگی در برگرداندن متشابهات لفظی قرآن است. بدین معنا که آیاتی از نظر لفظ عربی شبیه هم هستند و در جاهای مختلفی از قرآن تکرار شده‌اند، به هنگام ترجمه، یکسان و مشابه ترجمه شوند. به نظر می‌رسد اصل یکسان‌سازی در ترجمه کلمات، جملات و آیات قرآنی مشابه، کار دشواری است. لذا برخی مترجمان آن را نادیده می‌انگارند و طبیعی است که ترجمه آنها گرفتار نوعی نوسان و ناهماهنگی درون‌متنی می‌گردد. این موضوع، از مشکلات اساسی در حوزه ترجمه‌های فارسی قرآن

^۱ m.amraei@velayat.ac.ir

کریم است تا جایی که پژوهش‌گران و صاحب‌نظران عرصه ترجمه پیوسته بر لزوم ترجمه یک‌دست و همسان آیات متشابه لفظی تأکید کرده‌اند. کریمی‌نیا بر این باور است که مترجمان قرآن، در ترجمه متشابهات لفظی آن، نباید بدون دلیل قانع‌کننده، الفاظ، ترکیبات، تعبیرات، جمله‌ها، آیه‌ها و ساخت‌های نحوی مشابه را به گونه‌ای ناهمسان و چه بسا متخالف ترجمه کنند. (کریمی‌نیا، ۱۳۷۶: ۱۰) خرمشاهی نیز در توصیف و تعریف ترجمه قرآن غلامعلی حداد عادل، ضمن اذعان به فقدان وحدت رویه در ترجمه آیات متشابه لفظی در ترجمه ایشان، به ضرورت ترجمه یک‌دست آیات مشابه لفظی اشاره کرده است: «در شرایط مساوی، کلمات و عبارات یکسان، بهتر است یکسان ترجمه شود و امروزه به مدد فهرست‌ها و کتاب‌هایی که یکسانی‌ها و همسانی‌های قرآنی را نشان می‌دهد، می‌توانیم همه این گونه موارد را یکسان ترجمه کنیم.» (خرمشاهی، ۱۳۹۱: ۱) رضایی اصفهانی نیز، بر این باور است که همسان‌سازی معادل‌های کلمات، کاری دشوار، اما لازم و ضروری است و رعایت نکردن این قاعده، از جمله نقدهای وارد بر ترجمه‌های معاصر است. بنابراین در ترجمه کلمات، جملات و آیات مشابه لازم است از قبل، معادل‌یابی دقیقی صورت گرفته و ترجمه بر اساس آن یکسان‌سازی شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۲۱۲)

پژوهشگران معاصر عرب نیز، نظرات متعددی در ضرورت یکسان‌سازی ترجمه آیات مشابه و همسان ابراز داشته و آن را از جمله آسیب‌های ترجمه‌های قرآن کریم می‌دانند. علی‌نجار، در باب ضرورت توجه مترجمان به ترجمه آیات مشابه لفظی، معتقد است: «نظام واژگانی قرآن کریم مبتنی بر تدبیر است و هر واژه‌ای هدفی را دنبال می‌کند و چنانچه واژه‌های مکرر و یکسان در ترجمه منعکس نشود، احتمال دگرگونی در متن اصلی بسیار است.» (نجار، ۱۳۸۱: ۲۶)

با این حال و با وجود نقدهای مکرر قرآن‌پژوهان و نظریه‌پردازان ترجمه قرآن نسبت به موضوع یکسان‌سازی ترجمه قرآن کریم، هنوز هم، ترجمه‌ای یک‌دست و هماهنگ از آیات متشابه لفظی، ارائه نشده است و برخی مترجمان قرآن، توجه و عنایت کافی به ترجمه آیات مشابه نداشته و ترجمه آنان، از منظر اصل یکسان‌سازی و وحدت رویه با آرمان‌های مطلوب فاصله بسیار دارد. از جمله این ترجمه‌ها، ترجمه معادل و معنایی آقای حداد عادل است که تنها برای تکرار متوالی برخی آیات متشابه در سوره الرحمن ﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾، ترجمه یکسانی ارائه داده است. اما در سایر سوره‌های قرآن، این تشابهات و همگونی‌ها نادیده گرفته شده و برای آیات مشابه در سراسر قرآن معنای یکسانی ارائه نشده است. این مقاله درصدد است تا ترجمه آقای حداد عادل را از منظر رعایت وحدت رویه در ترجمه آیات متشابه لفظی قرآن، از جنبه‌های متعدد مورد واکاوی تحلیلی - توصیفی و نقدی قرار دهد. گفتنی است ضرورت ارائه ترجمه‌ای دقیق، روان و یک‌دست از قرآن کریم در روزگار معاصر، سبب شده تا ترجمه حداد عادل از زوایای جامع‌تری، محور مطالعه و پژوهش قرار گیرد.

۱-۱- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت‌یافته در خصوص اصل یکسان‌سازی ترجمه در آیات متشابه لفظی قرآن کریم معدود است. برخی پژوهش‌گران حوزه قرآن و ترجمه، پدیده یکسان‌سازی را در اصل قرآن کریم به طور کلی پژوهش نموده‌اند و برخی دیگر اصل یکسان‌سازی را در ترجمه مترجمان دیگر قرآن بررسی نموده و برخی نیز، اصول یکسان‌سازی

را در ترجمه حداد عادل به نقد گذارده‌اند که به طور مبسوط، به این پژوهش‌ها و میزان ارتباط آنها با مقاله مذکور اشاره می‌شود:

۱. «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»، عنوان مقاله‌ای از آقای مرتضی کریمی‌نیا است که در مجله ترجمان وحی، سال اول، ش ۱، شهریور ۱۳۷۶، چاپ شده است. نگارنده این مقاله، چندین اصل برای یکسان‌سازی ترجمه ارائه نموده است. سپس اصل یکسان‌سازی را در ترجمه‌های آقایان میدی، دهلوی، الهی‌قمشه‌ای، پاینده، آیتی، مجتبوی، پورجوادی، فولادوند، مکارم‌شیرازی و خرّمشاهی بررسی کرده و بر این باور است که شادروان پاینده و آقایان مجتبوی و خرّمشاهی بیشتر از دیگران به اصل یکسان‌سازی در ترجمه توجه کرده‌اند. نگارنده، در این مقاله اظهارنظرهای عالمانه، دقیق و گاه موشکافانه‌ای در مورد اصل یکسان‌سازی ترجمه قرآن کریم و آسیب‌شناسی آن ابراز داشته‌اند که برای مترجمان بعدی بسیار سودمند بوده و آنان را از برخی لغزش‌ها در این عرصه نگاه داشته است. اما با نظر به حوزه بسیار وسیع گونه‌های مختلف یکسان‌سازی و ارائه شواهد بسیار اندک در این مقاله و نیز با رویکرد عامی که نویسنده مقاله داشته‌اند، چندان قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد.

۲. «بررسی ترجمه آیات متشابه لفظی در هفت ترجمه فارسی قرآن کریم» این مقاله توسط مرتضی عرب و رضا فرشچیان، در مجله پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، به چاپ رسیده است. نگارندگان در این مقاله، به بررسی دقت نظر هفت ترجمه فارسی آقایان آیتی، دهلوی، جمعی از مترجمان، فولادوند، مجتبوی، مشکینی و مکارم‌شیرازی در ترجمه آیات متشابه لفظی، در چندین حوزه از اختلاف‌های موجود در آیات متشابه پرداخته‌اند. در این پژوهش دقت مترجمان در یکسان‌سازی ترجمه آیات متشابه مورد بررسی قرار گرفته و ثابت شده است که در بیشتر این ترجمه‌ها توجه کافی به ترجمه آیه‌های متشابه نشده و ترجمه جمعی قرآن کریم اثر محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران ایشان، در این زمینه موفق‌تر از دیگر ترجمه‌ها عمل نموده است.

۳. «بررسی یکسان‌سازی ترجمه‌ها در متشابهات لفظی قرآن» مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای عظیم عظیم‌پور به راهنمایی سید مجید نبوی است که در مجله ترجمان وحی، سال هجدهم، شماره ۱-۲ (پیاپی ۳۶)، بهار - زمستان ۱۳۹۳، منتشر شده است. موضوع این مقاله بررسی امکان یکسان‌سازی ترجمه‌ها در متشابهات لفظی قرآن است، نگارنده این مقاله، یکی از مشکلات اساسی ترجمه‌های فارسی قرآن را متشابهات لفظی دانسته و حقیقت این موضوع را آسیب‌شناسی کرده و تنها راه‌حل این مشکل را دستیابی به یک معادل مناسب فارسی برای کلمات مشترک دانسته است.

۴. «بررسی ترجمه آیات مشابه در قرآن کریم (با توجه به ترجمه غلامعلی حداد عادل)» نوشته عبدالرسول الهایی و حبیب کشاورز است که در مجله «کلیه اللغات» در کشور عراق چاپ شده است. نگارندگان در این مقاله فقط به بررسی ترجمه آیات متشابه پرداخته و تلاش کرده‌اند تا ضمن اثبات لزوم ارائه ترجمه‌ای یکسان برای آیات مشابه، میزان ناهمگونی این آیات را در ترجمه حداد عادل نشان دهند، اما با توجه به عرصه بسیار وسیع مبحث یکسان‌سازی که شامل کلمات، عبارات، جمله‌ها، آیات، ساختارهای نحوی مشابه، ساختارهای مجازی مشابه و ...

می‌گردد و نیز با عنایت به ارائه بسیار اندک و موردی شواهد آیات متشابه از جانب نگارندگان مقاله، به نظر می‌رسد که این پژوهش، تأمل و دقت نظر بیشتری می‌طلبد است. گفتنی است وجه تمایز این مقاله با مقاله فوق‌الذکر، بررسی غالب نمونه‌های یکسان‌سازی است که در مقاله فوق‌الذکر تنها یک جنبه (آیات) بررسی شده است، نه بیشتر.

۵. اصل یکسان‌سازی در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم به زبان فارسی (مجتبوی، معزی، رضایی اصفهانی، حداد عادل) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم شهیده نوریها نجف‌آبادی به راهنمایی مهدی ناصری در دانشگاه قم سال ۱۳۹۳ است که اغلب، رویکردی مقایسه‌ای و تطبیقی داشته و ترجمه رضایی اصفهانی را قوی‌ترین و ترجمه حداد عادل را ضعیف‌ترین ترجمه در حوزه یکسان‌سازی برشمرده است.

هر یک از ناقدان و صاحب‌نظران یادشده، نظرات مفیدی در اصل یکسان‌سازی و اثبات ضرورت آن ارائه نموده‌اند، اما برخی پژوهش‌ها، دامنه بسیار محدودی در زمینه یکسان‌سازی ترجمه حداد عادل وجه همت خویش ساخته‌اند. مثلاً آقایان عبدالرسول الهایی و حبیب کشاورز، تنها آیات متشابه را در ترجمه حداد عادل بررسی نموده و دیگر ساختارهای متشابه را رها ساخته‌اند. تفاوت این پژوهش با کارهای مشابه پیشین در این است که به طور جامع و فراگیر به آسیب‌شناسی ترجمه حداد عادل، از منظر یکسان‌سازی ساختارهای مشابه پرداخته است. در این پژوهش، علاوه بر موارد معمول یکسان‌سازی، همانند یکسان‌سازی در ترجمه اسم، فعل، حرف، ترکیبات، جملات و آیات قرآن، بخش‌های مستقلی وجود دارد که در دیگر پژوهش‌ها اساساً دیده نمی‌شود. از جمله این بخش‌ها می‌توان به اصل یکسان‌سازی از منظر ساختارهای مجازی، مانند کنایه، استعاره و مجاز مرسل، یکسان‌سازی در ترجمه ساختارهای اسمی - فعلی قرآن، تفسیرها و تقدیرها و ... اشاره نمود که در این مقاله، به تفصیل، به بوته نقد گذارده شده است. در این جستار کوشیده شده است تا از این دانش تعریف روشنی ارائه گردد. می‌توان گفت که در این پژوهش، با رعایت اختصار، تقریباً تمامی اصول یکسان‌سازی، به صورت موردی و استقرایی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- یکسان‌سازی ترجمه و ضرورت آن

با مراجعه به قرآن، عبارت‌هایی را می‌یابیم که کاملاً شبیه به یکدیگرند. آنچه در ترجمه این عبارت‌ها حائز اهمیت است، این است که این عبارت‌های کاملاً مشابه، از ترجمه‌ای یکسان نیز بهره‌مند شوند تا غرض و پیام نهفته در متن اصلی به ترجمه نیز منتقل گردد؛ همان‌گونه که از منظر زیباشناسی و انسجام ساختار نیز این وحدت رویه شایان توجه است و سبب نزدیکی بیشتر ترجمه به متن مبدأ می‌گردد. با این حال، از سیاق آیات نیز نباید غافل شد؛ چه بسا عبارت‌های شبیه به یکدیگری که به دلیل تفاوت سیاق، معنای متفاوتی داشته باشند. لذا شایسته است این تفاوت معنا در ترجمه در نظر گرفته شود تا هر کلمه و هر عبارت، معنایی متناسب با جایگاهش داشته باشد. در رسیدن به ترجمه مناسب عبارت‌های شبیه به یکدیگر، سه دانش واژه‌شناسی، ریشه‌شناسی و سیاق‌دارای اهمیت است. این سه دانش در تعیین و تبیین معنای واژگان و برابری بهتر عبارت، بسیار یاری‌رسان‌اند. (بردبار، ۱۳۹۶: ۱) نوشتار حاضر با رویکرد توصیفی و تحلیل انتقادی، دقت یکسان‌سازی ترجمه حداد عادل را تفحص می‌کند. این

پژوهش در صدد است تا ضمن تبیین ناهمگونی و ناهمسانی سبکی در ترجمه حدّاد عادل و اثبات لزوم یکسان‌سازی در مورد این ترجمه ادبی، مهم‌ترین الگوهای اصل یکسان‌سازی را در این ترجمه مورد واکاوی توصیفی و تحلیلی قرار دهد. دستاورد و مطالعات این پژوهش نشان می‌دهد که در ترجمه حدّاد عادل، اصول یکسان‌سازی و مؤلفه‌های مختلف آن، اعم از کلمات، عبارات، جملات، آیات، ساختارها و ... لحاظ نگردیده است. مهم‌ترین شاخص‌های اصل یکسان‌سازی در قالب موضوعات زیر نقد و آسیب‌شناسی شده است:

۱-۲- یکسان‌سازی در ترجمه اسم‌ها و فعل‌های مشابه

با نظر به اینکه همسان‌سازی برابرهای کلمات، کاری دشوار، طاقت‌فرسا و دقیق است، کمتر ترجمه‌ای از قرآن کریم یافت می‌شود که اصل یکسان‌سازی را در این مورد رعایت کرده باشد. از آن جمله می‌توان به فولادوند، مجتبوی، مشکینی، مکارم، آیتی، خرمشاهی و ... اشاره کرد که اغلب مبحث یکسان‌سازی ترجمه آیات را رعایت نکرده‌اند. (عرب و فرشچیان، ۱۳۹۵: ۱۲۸) در هر حال، برابرسازی در ترجمه، با لحاظ نمودن سیاق آیات و فن وجوه و نظایر، کاری لازم و ضروری است و نظم آیات و همگونی آن‌ها را در ترجمه منعکس می‌سازد. البته در این میان یکسان‌سازی کلمات، کاری دشوارتر است؛ زیرا بازیابی کلمات متشابه در متن قرآن، به مراتب سخت‌تر از ترکیبات، جمله‌ها و آیات قرآن کریم است. حدّاد عادل غالب کلمات یکسان و مشابه را علی‌رغم سیاق یکسان، به معانی متفاوتی ترجمه نموده و اصل یکسان‌سازی را در مورد آنها رعایت نکرده است؛ برای مثال، واژه «ضَرَاء» را که از متشابهات لفظی است، در سوره (یونس: ۲۱) به معنای (آسیب) و در سوره (هود: ۱۰) به معنای (رنج) و در سوره (بقره: ۱۷۷) به معنای (سختی) ترجمه نموده که این معادل‌های مختلف، احیاناً معانی یکسانی هم ندارند. به نظر می‌رسد کلمه (سختی) برای همه این موارد مناسب‌تر باشد. مورد دیگر، فعل «حَسِبَ» است که از متشابهات لفظی قرآن بوده و در سراسر ترجمه حدّاد عادل به اشکال مختلف (تصور کردن)، (گمان کردن)، (پنداشتن) و ... ترجمه شده است؛ مانند: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ﴾ (بقره: ۲۱۴)؛ (آیا تصور می‌کنید پای به بهشت خواهید نهاد؟)، ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ﴾ (آل عمران: ۱۴۲)؛ (آیا گمان کرده‌اید پای به بهشت خواهید نهاد؟) و ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ (محمد: ۲۹)؛ (آیا آنها که دل‌هاشان بیمار است، می‌پندارند ...)

از دیگر نمونه‌های ترجمه ناهمسان، اسم‌ها و صفت‌های خداوند متعال است که در قرآن کریم به شکل یکسان تکرار شده‌اند؛ همانند «عَزِيزٌ»، «حَكِيمٌ»، «سَمِيعٌ»، «عَلِيمٌ»، «بصیر» و ... که در ترجمه ایشان به شکلی متفاوت و ناهمسان منعکس شده است؛ برای نمونه واژگان «عَزِيزٌ حَكِيمٌ» در آیه ۲۰۹ سوره بقره ﴿فَإِنْ زَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ به معنای (مقتدری حکیم) و در آیه ۲۲۰ همین سوره ﴿... وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ به معنای (پیروزمندی حکیم) برگردان شده است.

مترجم، برای افعالی نظیر «تَعْقِلُونَ»، «تَفْقَهُونَ»، «تَعْلَمُونَ»، «تَشْعُرُونَ»، «تَتَفَكَّرُونَ» و «تَتَدَبَّرُونَ» که اغلب در فواصل قرآن کاربرد بیشتری دارند، توسع معنایی زیادی در نظر گرفته و آنها را به معانی گوناگونی ترجمه نموده است؛ برای مثال، برای فعل «تَعْقِلُونَ» سه لایه معنایی «درک کردن» (یوسف: ۲)، «اندیشیدن» (زخرف: ۳) و «تعقل کردن»

(صافات: ۱۳۸)، و نیز برای فعل «تَشْعُرُونَ» ترجمه‌های متفاوتی مانند «ناگهان فرو گرفتن» (زمر: ۵۵)، «فهمیدن» (شعراء: ۱۱۳)، «آگاه نبودن» (بقره: ۱۵۴) و «دانستن» (حجرات: ۲) ارائه نموده و بدین ترتیب اصل یکسانی و هماهنگی در ترجمه اسم‌ها و فعل‌ها را رعایت نکرده است.

۲-۲- یکسان‌سازی در ترجمه حروف مشابه

در ترجمه حداد عادل، بسیاری از حروف مشابه قرآن، به شیوه همسان و هماهنگ معادل‌یابی یا حتی در برخی موارد، معنا نشده است؛ برای مثال در آیه شریف ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ﴾ (بقره: ۱۴۳)، حرف لام، «لام جحد» نامیده می‌شود که پس از مشتقات منفی فعل «کان» بر سر فعل مضارع می‌آید و آن را منصوب می‌سازد و خبر «کان» نیز محذوف است. (درویش، ۱۴۱۵: ۱، ۲۰۳) مفسران و ادیبان در اغلب موارد، چنین تقدیری را در نظر می‌گیرند: (ما كَانَ اللَّهُ [مُرِيدًا] لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ). (حسن، بی‌تا: ۴، ۳۲۱) با این حال، مترجم، مواردی را که لام جحد، در سیاقی یکسان و مشابه تکرار گردیده است، یک‌دست و هماهنگ ترجمه نکرده است؛ برای مثال در آیه ۱۰۱ سوره اعراف، ﴿فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ﴾، لام جحد را به صورت (اما آنها به آنچه پیش‌تر هم منکر آن شده بودند، ایمان نیاوردند). و در آیه ۷۴ سوره یونس، ﴿فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ﴾ به صورت (اما آنان بنا نداشتند بدانچه از قبل، آن را دروغ پنداشته بودند، ایمان آرند). ترجمه نموده که ترجمه‌ای کامل‌تر است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مترجم، اساساً دو «لام جحد» متشابه را به دو گونه متفاوت ترجمه نموده که البته در آیه ۱۰۱ سوره اعراف، «لام جحد» اساساً معنا نشده است. از دیگر حروف مشابهی که در ترجمه حداد عادل، همسان و هماهنگ ترجمه نشده است، «إِذَا»ی فجائیة است. مترجم محترم، حرف «إِذَا» را در آیه ۲۰ سوره طه ﴿فَأَلْقَاهَا فِإِذَا هِيَ حَبِيبَةٌ تَسْعَى﴾ به شکل (پس موسی آن را انداخت و در دم ماری شد که (به هر سو) می‌شتافت)، ترجمه و در آیه ۱۹ سوره صافات ﴿فِإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فِإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ﴾ به صورت (تنها یک بانگ بلند خواهد بود و بس و ناگاه چشم خواهند گشود)، ترجمه کرده و در آیه ۴۵ سوره شعراء ﴿فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فِإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ﴾ به صورت (پس موسی عصای خود را انداخت، ناگهان (دیدند که) آن عصا ساخته‌ها و بافته‌های آنها را می‌بلعد.)، ترجمه کرده است که ناهمگونی سه لفظ «در دم»، «ناگاه» و «ناگهان» کاملاً مشهود است. با این حال، ضرورت دارد، مترجمان گرامی، برای حفظ زیبایی ترجمه و انسجام معنایی آن، با عنایت به سیاق آیات و فنّ وجوه و نظایر، همه آیاتی که در آنها «لام جحد» یا «إِذَا»ی فجائیة و ... به گونه‌ای یکسان و متشابه تکرار گردیده است، یکسان و یکنواخت ترجمه نمایند.

۲-۳- یکسان‌سازی در ترجمه ترکیبات مشابه

منظور از یکسان‌سازی در ترجمه ترکیبات مشابه، اساساً همسانی در تعبیری است که مرکب از چند اسم، فعل یا حرف هستند، اما واحد جمله را نمی‌سازند. مثال‌های این بخش از تشابهات لفظی قرآن، بیشتر بوده و در قالب مقاله‌ای کوتاه و محدود و در زمانی این‌چنین اندک، پژوهش و بازیابی نمی‌گردند؛ بلکه تسلط بر این‌گونه ترکیبات متشابه در قرآن کریم، نیازمند بازنگری و مقایسه فراوان است. از همین قبیل است ترکیب «الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى» که در

سوره بقره، آیه ۲۵۶ و لقمان، آیه ۲۲ تکرار شده است، اما همین عبارت مشابه و همسان در ترجمه مورد بحث، در آیه ۲۲ سوره لقمان به صورت (محکم‌ترین رشته) و در آیه ۲۵۶ سوره بقره به صورت (رشته محکمی) منعکس شده است و مترجم محترم عبارت متشابه مذکور را در هر دو سوره، به گونه‌ای کاملاً متفاوت ترجمه نموده و بدین‌وسیله از انسجام متنی ترجمه خویش کاسته است.

از عبارت‌های متشابه دیگری که در ترجمه حداد عادل، ناهماهنگ و آشفته است، عبارت «أَجَلٌ مُّسَمًّى» است. این عبارت ۲۱ بار در قرآن تکرار شده و مترجم محترم ترجمه‌هایی کاملاً متفاوت از آن ارائه کرده است؛ برای مثال، در آیه ۲ سوره انعام به صورت (مدتی معلوم) و در آیه ۶ از همین سوره (مدتی معین) و در آیه ۲ سوره رعد، (وقتی معین) و در آیه ۶۱ سوره نحل، (مهلتی معین) ترجمه شده است. این قبیل عبارات متشابه در ترجمه حداد عادل که معمولاً اصل یکسان‌سازی و هماهنگی در مورد آنها رعایت نشده است، بسیار زیاد است و قابل استقصاء در این مقال نیست.

نکته مهمی که در زمینه ترکیبات مشابه وجود دارد، این است که گاهی ممکن است در میان ترکیبات متشابه، یک مشترک لفظی، (با توسع در معنا) وجود داشته باشد که در آن صورت، تفاوت در ترجمه لازم و ضروری است. (کریمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۳) از جمله این الفاظ مشترک، ترکیب «أَصْحَابُ النَّارِ» است که در همه جا به معنای دوزخیان است، به جز آیه ۳۱ سوره مدثر ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً﴾ (مدثر: ۳۱) که مطابق نظر تفاسیر مختلف، منظور از آن، فرشتگان موکل بر آتش جهنم و خزانه‌داران آن‌اند که اهل جهنم را در آتش می‌اندازند: «علی جمله النار تسعه عشر من الملائكة هم خزنتها.» (قرطبی، ۲۰۰۳: ۱۹، ۷۹) بنابراین، ترجمه پیشنهادی برای این آیه، چنین است: (و ما موکلان آتش را، جز فرشتگان قرار نداده‌ایم).

۲-۴- یکسان‌سازی در ترجمه جمله‌های متشابه

منظور از این‌گونه جمله‌های متشابه، جمله‌های کمتر از یک آیه هستند که جزئی از یک آیه را تشکیل می‌دهند. در این مجال اندک برآنیم تا به صورت موردی برخی از این جملات متشابه را در ترجمه حدّاد عادل مورد واکاوی قرار دهیم. از جمله آنها می‌توان به جمله ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ﴾ اشاره نمود که در آیات ۷ و ۲۷ سوره رعد عیناً تکرار شده، اما یکسان ترجمه نشده است. در آیه ۷ چنین ترجمه شده است: (آنان که کفر می‌ورزند، گویند: چرا بر او نشانه‌ای از پروردگارش نازل نشده است.) و در آیه ۲۷ نیز بدین صورت: (و آنان که کفر ورزیده‌اند، گویند: چرا نشانه‌ای از پروردگار وی بر او نازل نمی‌شود؟) ملاحظه می‌شود که در جمله اول «واو» عطف ترجمه نشده و فعل ماضی «کفروا» در اولی به صورت ماضی نقلی و در دومی به شکل مضارع اخباری ترجمه شده است. نکته مهم‌تر اینکه فقط جمله دوم علامت سؤال دارد.

از دیگر نمونه‌ها عبارت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ است که در آیات ۱۵۳، ۱۷۲ و ۱۷۸ سوره بقره به صورت (ای کسانی که ایمان آورده‌اید) و در آیه ۱۸۳ سوره بقره به گونه (ای آنان که ایمان آورده‌اید) و در آیه ۱۵۶ سوره آل-عمران به شکل (ای اهل ایمان) و در آیه ۹ سوره بقره به گونه مفرد و معنایی (ای مؤمنان) ترجمه شده است. از

دیگر جملات متشابه لفظی در آیات قرآن که اختلافات فاحشی در ترجمه آن دیده می‌شود، می‌توان به جمله ﴿ثُمَّ تَوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ اشاره نمود که ۳ بار در قرآن کریم تکرار شده، اما مترجم محترم، آن‌ها را به گونه‌ای کاملاً ناهماهنگ ترجمه کرده است؛ به گونه‌ای که در آیه ۱۶۱ سوره آل عمران، به شکل (آنگاه همگان، بی‌آنکه ظلمی ببینند، به تمامی به سزای عمل خود خواهند رسید) و در آیه ۲۸۱ سوره بقره به صورتی کاملاً متفاوت (آنگاه به هر کس، آنچه کرده، به تمامی، داده خواهد شد و به آنان ستم نخواهد رفت) به فارسی برگردان شده است. از همین قبیل است آیه شریف ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا﴾ است که ۲ بار تکرار شده و در آیه ۲۴۵ سوره بقره به صورت (کیست که به خدا قرض دهد، قرض الحسنه) و در آیه ۱۱ سوره حدید به شکل (کیست که به خدا وام دهد؟ وامی نکو) برگردان شده است؛ همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این دو آیه کاملاً مشابه، به هنگام برگردان، هم از لحاظ ساختاری و هم از نظر علائم نگارشی، به ویژه علامت سؤال، با هم تفاوت دارند.

قابل ذکر است این‌گونه جملات با استقلال کامل معنایی به گونه کاملاً یکسان در قرآن کریم فراوانند که برای حصر و بازشناسی آنها در میان آیات قرآن، نیاز به دقت و تفحص بسیار است.

۲-۵- یکسان‌سازی در برگردان آیات متشابه

در قرآن کریم، آیاتی با شباهت کامل ساختاری یافت می‌شوند که در سراسر قرآن عیناً تکرار شده‌اند. این ویژگی چنان بارز و برجسته است که توجه متکلمان، ادیبان، مفسران و دانشمندان علوم اسلامی را به خود معطوف داشته است. نکته قابل تأمل این است که حداد عادل، اغلب تکرار متوالی آیات متشابه در یک سوره را یکسان ترجمه نموده است. نمونه مشهور آن، آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ در سوره «الرحمن» است که به فاصله یک یا دو آیه، به طور متوالی (سی بار از آیه ۱۳ تا ۷۷) تکرار شده و مترجم در همه این آیات همسان، ترجمه یکسانی ارائه داده است: (حال کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید). نمونه دیگر سوره مبارک مرسلات است که آیه ﴿وَيَلِّ يَوْمئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾، یازده بار در این سوره تکرار شده و مترجم همه این آیات مشابه را همسان ترجمه نموده است: (آن روز، وای بر دروغ‌انگاران). نمونه دیگر آیه شریف ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ است که هشت بار در سوره شعراء تکرار شده و مترجم در هر هشت بار، ترجمه یکسان (و به راستی که پروردگار تو هم پیروزمند و هم مهربان است) را به درستی تکرار کرده است، اما در بقیه حالات، این تشابهات را نادیده گرفته و برای آیات یکسان و متشابه در سراسر قرآن، معنای یکسانی، ارائه نکرده است. از نمونه‌های بارز آن ترجمه آیات ۵ الی ۸ سوره مؤمنون و آیات ۲۹ الی ۳۲ سوره معارج است:

- ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَرْوَاحِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مُلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ (مؤمنون: ۵-۸)

(و آنان که دامان خود را (پاک) نگه می‌دارند. مگر با همسران و کنیزانشان، که دیگر بر آنان سرزنش نیست. و کسانی که پای از این (حد) فراتر نهند، تجاوزکاراند. و آنان که امانت‌دارند و به پیمان‌های خود پای‌بندند.)

– ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ * إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ (معارج: ۲۹-۳۲)

(و آنها که دامان خود (پاک) نگه می‌دارند. مگر با همسران خویش یا با کنیزان خویش، که نکوهشی بر آنان نیست. اما کسانی که پای از این حد فراتر نهند، تجاوزکارانند. و آنها که به امانت‌ها و پیمان‌های خود پای‌بندند.)

ملاحظه می‌شود که در تمامی آیات شریف، ترجمه‌ای کاملاً متفاوت ارائه شده و اصل یکسان‌سازی آیات متشابه نادیده انگاشته شده است. این همسانی در ادامه آیات یادشده نیز رعایت نشده و آیه ۹ سوره مؤمنون و آیه ۳۵ سوره معارج بار دیگر ناهماهنگ ترجمه شده است:

– ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَواتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (مؤمنون: ۹)

(و آنان که مراقب نمازهای خویش‌اند.)

– ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَواتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (معارج: ۳۵)

(و آنها که از نمازهای خود پاسداری می‌کنند.)

از دیگر موارد مهمی که فقدان وحدت رویه را در سبک ترجمه حدّاد عادل به اثبات می‌رساند، ترجمه‌های متفاوت از آیه شریف ﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ است. این آیه شش بار در شش جای مختلف قرآن کریم (نمل: ۷۱؛ ملک: ۲۵؛ یونس: ۴۸؛ یس: ۴۸؛ سبأ: ۲۹ و انبیاء: ۳۸) تکرار شده و در تمامی آنها، ترجمه‌ای ناهمگون و ناهمسان از آیه ارائه شده است:

– و گویند اگر راست می‌گویید، آن وعده کی فرا خواهد رسید. (نمل: ۷۱)

– و گویند اگر راست می‌گویید، این وعده کی خواهد بود؟ (ملک: ۲۵)

– گویند این وعده (قیامت)، اگر راست می‌گویید، کی خواهد بود. (یونس: ۴۸)

– و گویند اگر راست می‌گویید، این وعده کی خواهد رسید. (یس: ۴۸)

– و گویند اگر راست می‌گویید، این وعده (قیامت) کی خواهد رسید. (سبأ: ۲۹)

– و گویند اگر راست می‌گویید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود. (انبیاء: ۳۸)

مترجم محترم، این آیه را در سوره ملک، به شکل پرسشی ترجمه کرده و برای آن علامت سؤال آورده، اما در موارد دیگر آن را خبری منعکس کرده است. به نظر می‌رسد این مقدار تفاوت در ترجمه آیات متشابه، با عنایت به تفاوت سیاقی آنها نبوده باشد، بلکه این بی‌توجهی مترجم به شباهت آیات و تکرار آنها در سوره‌ها است که عامل این ناهمگونی شده است.

همچنین در برخی موارد مانند الگوی زیر، آن‌چنان ترجمه ناهمسانی ارائه شده که نزدیک است مفهوم آیات را نیز به چالش بکشانند:

– ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (أنعام: ۱۰)

(آری، پیامبران پیش از تو را نیز استهزاء می کردند، اما سرانجام، آنها که استهزاء می کردند، به همان (عذابی) که به سخریه‌اش می گرفتند، دچار آمدند.)

– ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُوا بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (انبیاء: ۴۱)

(البته فرستادگان پیش از تو را نیز مسخره کرده‌اند، اما آنان که مسخره می کردند، همان چه مایه تمسخرشان بود، (سرانجام) گریبانشان را گرفت.)

در ترجمه آیات فوق، علاوه بر رعایت نکردن اصل یکسان‌سازی، فراوانی تکرار استفاده از مصادر عربی مانند «استهزاء»، «تمسخر»، «سخریه» و ...، علی‌رغم تأکید مترجم بر دوری از کلمات عربی و پراکنده‌های غیرضروری و روانی و عامه‌فهم بودن (یزدی، ۱۳۹۰: ۷-۹) سبب شده تا برداشت مخاطب از این آیات در کنار هم نامفهوم و سخت به نظر آید.

۶-۲- یکسان‌سازی ترجمه از حیث دستور زبان و ساختارهای نحوی

جواهری بحث یکسان‌سازی را به زبان‌شناسی مقابله‌ای مربوط می‌داند و معتقد است که مترجم باید پیش از ورود به ترجمه، تصویر روشنی از ساختارهای معادل عناصر نحوی داشته باشد (جواهری، ۱۳۸۳: ۶۷) تا بتواند در مجال الگوهای نحوی همسان در آیات مشابه، ترجمه‌ای یکسان و مطابق با زبان اصلی (قرآن) ارائه نماید. با عنایت به دامنه بسیار وسیع ساختارهای مختلف نحوی، به صورت گزینشی به برخی از این ساختارها و میزان هماهنگی آنها در ترجمه حداد عادل پرداخته می‌شود:

۶-۲-۱- ترجمه اسم موصول

۱. ﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ﴾ (بقره: ۹۰)

(و دنباله‌رو تهمت‌ها و دروغ‌هایی شدند که شیاطین به حکومت سلیمان می‌بستند.)

۲. ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ﴾ (کافرون: ۵-۲)

(من (هرگز) آنچه شما می‌پرستید، نمی‌پرستم و شما نیز آنچه من می‌پرستم، نخواهید پرستید و نه من پرستنده آنچه می‌پرستید، هستم.)

۳. ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ هُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (فاطر: ۷)

(آنان که کفر می‌ورزند، عذابی سخت دارند و آنان که ایمان می‌آورند و عمل صالح می‌کنند، آمرزش و پاداشی بزرگ.)

۴. ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا﴾ (عنکبوت: ۱۲)

(و کافران به مؤمنان گویند: از راه ما پیروی کنید.)

حداد عادل در ترجمه اسم‌های موصول (خاص و عام)، یکسان و هماهنگ عمل نکرده، بلکه گاهی تحت‌اللفظی و گاهی نیز معنایی و هسته‌ای ترجمه کرده است. در آیه ۹۰ سوره بقره، اسم موصول «ما» را به صورت معنایی (تهمت‌ها و دروغ‌ها) ترجمه و به جای ترجمه «موصول»، «موصول‌به» را آورده است که در مقابل معنای عام

موصول، یعنی (آنچه و نظایر آن) جزئی به نظر می‌رسد. بی‌تردید، تمامی الفاظ قرآن کریم، روی حساب، نظم و هدف خاصی وضع شده‌اند و اگر خداوند متعال، از «ما»ی موصول، تهمت‌ها یا دروغ را اراده کرده بود، بی‌شک معادل لفظی آن را به جای اسم موصول «ما» ذکر می‌کرد. در سوره کافرون، اسم موصول را جدا از صله و به صورت تحت‌اللفظی، معادل و مطابق با زبان مبدأ ترجمه نموده است تا تعادل را مراعات کرده و امانت‌داری کند. مترجم محترم، در ترجمه اسماء موصول خاص نیز ناهماهنگ و ناهمسان عمل کرده است؛ چنان‌که در آیه ۷ سوره فاطر، جملات ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (آنان که کفر می‌ورزند) و ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (آنان که ایمان می‌آورند) را به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کرده، اما در نقطه مقابل آن، یعنی در آیه ۱۲ سوره عنکبوت، جملات را به صورت مفرد، هسته‌ای و معنایی (کافران و مؤمنان) ترجمه کرده است. این‌گونه ترجمه‌های معنایی در سراسر ترجمه حدّاد عادل بسیار است؛ از آن جمله است آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾ (مطففین: ۲۹) که به صورت معنایی (گنهکاران (در دنیا) به مؤمنان می‌خندیدند). ترجمه شده است.

مترجم محترم، در سراسر ترجمه، اسم‌های موصول عام و خاص را به گونه‌ای ناهمسان ترجمه نموده که نشان از فقدان وحدت رویه در ترجمه ایشان دارد؛ بدین معنا که گاه از ترجمه تحت‌اللفظی در برگردان اسم موصول استفاده کرده و گاه نیز به ترجمه معنایی و محتوایی روی آورده است.

۲-۶-۲- ترجمه جمله‌های حالیه

۱. ﴿وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾ (انشقاق: ۹)

(و شادمان به سوی کسان خویش باز خواهد گشت).

۲. ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ﴾ (آل عمران: ۷۰)

(ای اهل کتاب، چرا دیده و دانسته آیات الهی را انکار می‌کنید).

۳. ﴿فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ﴾ (کهف: ۳۴)

(و در گفتگو با رفیق خود، بدو گفت).

۴. ﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۲)

(پس دانسته برای خدا همتایانی نگیرید).

۵. ﴿وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ﴾ (قلم: ۴۳)

(حال آن که آنها را (در دنیا) در حالی که سالم بودند، به سجده فرا می‌خواندند (و اطاعت نمی‌کردند)).

۶. ﴿وَجَاءُوا آبَاءَهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ﴾ (یوسف: ۱۶)

(شامگاهان گریه‌کنان نزد پدر خویش آمدند).

۷. ﴿وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ (حجر: ۶۷)

(مردم شهر شادی‌کنان (به سراغ لوط) آمدند).

۸. ﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾ (نحل: ۲۰)

(آن دیگران غیر از خدا، که (مشرکان) می خوانندشان، هیچ چیز نیافریده اند، بلکه خود آفریده شده اند.)
 اتخاذ شیوه ای واحد در ترجمه جمله های حالیه ای که ساختارهایی یکسان دارند، همانند «وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ»، «وَهُمْ سَالِمُونَ»، به ویژه از منظر زیبایی شناسی ضرورت دارد و باید یکسان و هماهنگ ترجمه شوند، نه این که در یکی مفرد و معنایی (دیده و دانسته) و در دیگری تحت اللفظی و معادل (در حالی که سالم بودند) ترجمه شود. جملات حالیه در آیات (یوسف: ۱۶) و (حجر: ۶۷) یک ساخت نحوی دارند، اما در آیات (کهف: ۳۴) و (بقره: ۲۲) دارای ساخت دیگری هستند. اصل یکسانی اقتضا می کند که در ترجمه دو جمله حالیه اخیر به ترتیب از عبارات های (گفتگوکنان) و (دیده و دانسته) استفاده شود. یک نمونه از ترجمه ناهمسان و ناهماهنگ این است که این مورد به عنوان مثال به ترتیب به صورت های (گفتگوکنان) و (در حالی که می دانستند) ترجمه شود که علی رغم اینکه هر دو ساختار در جملات حالیه یکسان هستند، اما اولی معنایی و دومی تحت اللفظی و معادل با ساختار عربی است. این موضوع، دقیقاً یکی از کاستی های ترجمه حداد عادل از منظر فقدان وحدت رویه در ترجمه جملات حالیه با ساختارهای یکسان است. در این ترجمه، جملات حالیه دیگری نیز وجود دارند که برخلاف هنجارهای عادی و معمول زبان برگردان شده اند؛ به عنوان نمونه ﴿وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (نمل: ۵۰) (آنان ترفندی زدند و ما نیز، بی آنکه بدانند، ترفندی زدیم و چه ترفندی) ملاحظه می شود که جمله حالیه «وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» به شکل (بی آنکه بدانند) و به صورت مضارع التزامی منفی ترجمه شده است، در حالی که زبینه تر آن بود که فعل مضارع در آن به صورت ماضی استمراری (درحالی که درک نمی کردند) ترجمه می شد. (معروف، ۱۳۸۰: ۱۷۴) و ترجمه دقیق و معادل آن می آمد.

۲-۶-۳- ترجمه فعل مضارع در جواب طلب

اگر فعل مضارع در جواب طلب بیاید، در آن صورت فعل طلب به منزله شرط و جواب طلب به منزله جواب شرط است. این مضمون شرطی اغلب با حرف «تا» بیان می شود. اما اگر جواب طلب مرفوع باشد، جمله خبری و صفت خواهد بود که با حرف «که» بیان می شود. در ترجمه حداد عادل، این اسلوب نحوی در بعضی موارد جایجا شده است. (حسن، بی تا: ۴، ۱۴)

۱. ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾ (بقره: ۱۲۹)

(پروردگارا در میان آنان پیامبری، هم از خود آنان، بر انگیز تا آیات تو را بر آنان فروخواند.)

۲. ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ﴾ (توبه: ۱۰۳)

(از مالشان زکاتی برگیر که با آن پاکشان می سازی.)

۳. ﴿ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (بقره: ۲۴۶)

(بر ما فرمانروایی بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم.)

۴. ﴿وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا﴾ (مریم: ۲۵)

(و این تنه درخت خرما را نیز به سوی خود بتکان تا بر تو خرمای تازه فرو ریزد.)

جمله «یتلو علیهم» صفت برای «رسولاً» و جمله «یعلّمهم...» در محل نصب و معطوف به جمله «یتلو علیهم» و جمله «یزکیهم...» در محل نصب و معطوف به جمله «یتلو علیهم» است. (صافی، ۱۴۱۸: ۱، ۲۶۶)

با اندکی تأمل دریافت می‌شود که جمله «یَتْلُو عَلَیْهِمْ» خبری بوده و صفت رسول است؛ زیرا افعال «یَتْلُو، یُعَلِّمُ و یُزَكِّی» مرفوع هستند، نه سبب و نتیجه و جواب برای «أَبْعَثُ» و گرنه به صورت «یَتْلُو، یُعَلِّمُ و یُزَكِّی» ذکر می‌شدند. با این حال، ذکر «تا» در ترجمه فارسی، نشان‌دهنده این است که مترجم محترم، آیه را به صورت سببی و نتیجه‌ای تلقی کرده است، در صورتی که می‌بایست به صورت وصفی و اخباری ترجمه می‌کرد. مترجم محترم، همین نکته نحوی برجسته را در سوره توبه آیه ۱۰۳، کاملاً صحیح و به صورت وصفی منعکس کرده است. در آیه مذکور فعل مضارع مرفوع «تَطَهَّرُهُمْ» را صفت برای «صَدَقَهُ» دانسته و به صورت مضارع اخباری و درست ترجمه کرده است. در آیه ۲۶۶ سوره بقره نیز، جمله «نُقَاتِلُ»، جواب طلب و مجزوم است (درویش، ۱۴۱۵: ۱، ۳۶۵) و باید به صورت سببی و نتیجه‌ای ترجمه شود که مترجم محترم کاملاً صحیح عمل کرده است. ذکر کلمه «تا» در ترجمه فارسی، نشان‌دهنده این است که وی جمله «نُقَاتِلُ» را جواب برای «أَبْعَثُ» در نظر گرفته و آن را در ترجمه منعکس نموده است. در آیه ۲۵ سوره مریم نیز بر همین منوال است. در این آیه، فعل مضارع «تُسَاقِطُ» در جواب فعل امر «هُزِّی» جزم یافته است. بنابراین باید این قسمت از آیه به صورت مسبب و مرتبط با فعل امر ترجمه شود. ترجمه این گونه جملات وصفی و سببی از جمله لغزشگاه‌های بسیاری از مترجمان قرآن، از جمله حدّاد عادل است. همو، در آیه ۱۲۹ سوره بقره که می‌بایست وصفی ترجمه نمایند، به شکل سببی و نتیجه‌ای ترجمه نموده و برعکس آن همین ساختار مشابه را در سوره توبه آیه ۱۰۳ صحیح ترجمه کرده که این خود نوعی دوگانگی و ناهمسانی در ترجمه حدّاد عادل از منظر جملات وصفی و سببی است.

۲-۴- ترجمه ادوات تأکید

از جمله ظرایف دستوری در ترجمه‌های متن‌محور، توجه به ترجمه ادوات تأکیدی مانند «إِنَّ»، «إِنَّمَا»، «ضمیر فصل»، «لام تأکید»، «نون تأکید» و ... است. در ترجمه حدّاد عادل غالب این ساختارهای نحوی به فارسی روان برگردان شده است، اما این برابری در ترجمه ادوات تأکید، به‌ویژه در مورد «إِنَّ»، یکسان و هماهنگ نیست. به نظر می‌رسد مترجم محترم، ترجمه‌ای یک‌دست از این گونه ساختارهای نحوی ارائه نکرده است. با نظر به دامنه وسیع ساختارهای تأکیدی، در زیر فقط به نمونه‌هایی از ترجمه‌ی «إِنَّ» و «ضمیر فصل» در ترجمه حدّاد عادل، از منظر ناهمسانی و ناهماهنگی ترجمه آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. ﴿إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ (نبأ: ۱۷)

(وعده (ما) روز داوری است.)

۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾ (نساء: ۱۰)

(آنان که ظالمانه اموال یتیمان را می‌بلعند، همانا در شکم‌هایشان آتش می‌بلعند.)

۳. ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ (فاطر: ۲۸)

(به راستی که خداوند پیروزمندی آمرزنده است.)

۴. ﴿قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ فَهُوَ الْهُدَى﴾ (بقره: ۱۲۰)

(بگو هدایت، هدایت خداست.)

۵. ﴿أَمْ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (توبه: ۱۰۴)

(مگر نمی دانند که خداوند، خود، توبه بندگان خویش را می پذیرد و صدقات و زکات را می گیرد و خداوند توبه پذیر و مهربان است.)

۶. ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ﴾ (هود: ۶۶)

(... پروردگار تو توانا و پیروزمند است.)

۷. ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (بقره: ۵)

(ایشان اند که رستگارانند.)

در فرآیند نقد و بررسی ترجمه «إِنَّ» و «ضمیر فصل» ملاحظه می گردد که حداد عادل در آیه ۱۷ سوره نبأ و نیز آیه ۱۰ سوره نساء، ترجمه ادات تأکید «إِنَّ» را نادیده انگاشته است؛ اما در موقعیتی مشابه و همسان، در آیه ۲۸ سوره فاطر همین حرف «إِنَّ» را ترجمه کرده که این موضوع، فقدان وحدت رویه در ترجمه حروف مشبّه بالفعل محسوب می شود. در آیه ۱۲۰ سوره بقره، ضمیر فصل هو، مفید حصر و تأکید است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱، ۷۵)؛ زیرا خداوند متعال در مقام پاسخ به یهود، هدایت خدا، یعنی اسلام را هدایت واقعی برشمرده و با ضمیر فصل، این انحصار را توضیح می دهد؛ اما حداد عادل برای ضمیر فصل، هیچ گونه ترجمه ای ارائه نکرده است. در آیه ۱۰۴ سوره توبه نیز، ابتدا ضمیر فصل را با ضمیر مشترک «خود» ترجمه نموده، اما در دنباله همین آیه و در بخش دوم آن، حصر و تأکید موجود در آیه را نادیده گرفته و برای ضمیر فصل، ترجمه ای ارائه ننموده است. در آیه ۶۶ سوره هود، «إِنَّ»، حرف مشبّه بالفعل و «هو»، ضمیر فصل بوده که مفید تأکید است (صافی، ۱۴۱۸: ۱۱، ۳۰۷)؛ اما چنان که ملاحظه می گردد مترجم، تأکید مستفاد از ضمیر فصل را کاملاً نادیده گرفته است. نکته مهمی که در ترجمه حداد عادل ویژه و خاص ایشان است، این است که ایشان در مواردی ترجمه ادوات تأکیدی را به صورت غیرمستقیم و غیرکلیشه ای عنوان می کنند، به نحوی که تأکید در دل کلام نهفته است؛ مانند آیه ۵ سوره بقره ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (ایشان اند که رستگارانند.) بنابراین این گونه دریافت می شود که ترجمه ایشان در برگردان ضمیر فصل و حرف «إِنَّ» روش یکنواخت و یکسانی ندارد.

۲-۷- یکسان سازی در ترجمه ساختارهای مجازی

مجاز تلاشی در جهت تعالی و تنوع اسالیب زبان و بیان زیباشناختی آن است. بنابراین مترجم باید عارف به لطافت ها و ظرافت های معنایی کلام باشد و در استخدام روشی مطلوب و کارآمد در ترجمه ساختارهای مجازی کلام عنایت کامل داشته باشد؛ زیرا بیان نکات نهفته در متن، نقش مهمی در انتقال و پیام رسانی به مخاطب ایفا می نماید. (امانی، ۱۳۹۲: ۸۶) با مطالعه و بررسی موردی ساختارهای مجازی در ترجمه حداد عادل ملاحظه می شود که

روش ترجمه ایشان در ترجمه انواع مجاز، یکسان و یک‌دست نیست؛ بلکه ایشان، گاهی از روش تحت‌اللفظی، گاهی از روش معنایی، گاهی از روش ارتباطی و گاهی نیز از روشی تلفیقی به نام معنایی-ارتباطی بهره برده است که این موضوع از طرفی، سبب ناهمگونی و ناهمسانی در ترجمه شده و از طرف دیگر سبب خروج ترجمه از اصول روشمندی و علمی شده است.

۲-۷-۱- ترجمه استعاره

۱. ﴿وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ (رعد: ۳۹)

(و ام‌الکتاب (کتاب مادر، لوح محفوظ) نزد اوست.) (معنایی - ارتباطی)

۲. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳)

(و جملگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده مشوید.) (تحت‌اللفظی)

۳. ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا﴾ (حدید: ۱۱)

(کیست که به خدا وام دهد؟ وامی نکو.) (تحت‌اللفظی)

«أُمُّ الْكِتَابِ»، مجاز لغوی و استعاره مفرد است. لفظ «أم» برای «اصل» عاریه گرفته شده و استعاره تصریحیه اصلیه محسوب می‌شود: «فَاسْتَعِيرَ لَفْظُ الْأُمِّ لِلْأَصْلِ؛ لِأَنَّ الْأَوْلَادَ تَنْشَأُ مِنَ الْأُمِّ كَمَا تَنْشَأُ الْفُرُوعُ مِنَ الْأُصُولِ» (سیوطی، ۱۹۷۴: ۳، ۱۴۹) حدّاد عادل این استعاره را به شیوه معنایی-ارتباطی ترجمه نموده است؛ بدین معنا که ایشان، ابتدا معنای تحت‌اللفظی استعاره را ذکر نموده، سپس معنای مجازی و استعاری را با استفاده از روش ارتباطی، داخل پراتنز ارائه نموده است. به عقیده نگارنده این روش بهترین روش در برگردان ساختارهای مجازی همانند استعاره است؛ زیرا مخاطب هر دو معنا را یک‌جا در اختیار دارد. در مقابل، در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران واژه «حبل» را کاملاً تحت-اللفظی و حرفی ترجمه نموده است و معنای مجازی و استعاری آن را ذکر نکرده است. (همان: ۳، ۱۵۳) غالب مفسران، اتفاق نظر دارند که منظور از «حبل الله»، همان قرآن کریم، دین اسلام یا عهد و پیمان با خداوند است. (جزائری، ۲۰۰۳: ۱، ۳۶۰)؛ بنابراین، مفاهیم یادشده معنای مجازی و استعاری واژه «حبل» هستند، نه ریسمان. این ترجمه دقیقاً معادل ترجمه تحت‌اللفظی و مماثل با معنای واژه در متن مبدأ است. لذا اگر مترجم می‌خواست واژه «حبل» را به شیوه معنایی ترجمه نماید، می‌بایست از معانی ثانوی آن، یعنی مستعارمنه آن مانند (عهد، ایمان، اطاعت، قرآن) (زمخشری، بی تا: ۱، ۳۹۴) استفاده می‌کرد یا اگر می‌خواست واژه «حبل» را به شیوه ارتباطی ترجمه نماید، می‌بایست از معانی ثانوی واژه «حبل»، یعنی مستعارمنه آن مانند (عهد، ایمان، اطاعت، قرآن) به عنوان توضیح و تفسیر در داخل پراتنز استفاده می‌کرد؛ زیرا اگر کسی معنای مجازی و ثانوی حبل و ریسمان را نداند، نمی‌تواند به مفهوم صحیح آیه رهنمون گردد.

در آیه ۱۱ سوره حدید، معنای لغوی و حقیقی «قرض»، وام گرفتن یا قرض گرفتن (راغب اصفهانی، بی تا: ۱، ۶۶۶) و جمع آن نیز «قروض» است، اما در اینجا معنای مجازی و استعاری آن یعنی «انفاق کردن در راه خدا» منظور است، نه وام گرفتن و قرض گرفتن حقیقی. (صافی، ۱۴۱۸: ۶، ۲۹۶) در تفسیر المیزان در مورد معنای قرض در این

آیه چنین آمده است: «در آیه مورد بحث، تشویقی بالغ به انفاق در راه خدا شده که مافوق آن تصور ندارد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹، ۳۱۹) حداد عادل این آیه را به شکل (کیست که به خدا وام دهد؟ وامی نکو) ترجمه نموده است که ترجمه‌ای حرفی و تحت‌اللفظی است و کاملاً به ساختار زبان عربی شبیه است. مترجم محترم، فقط معنای حقیقی و اولیه «بقرض» را ذکر نموده و به ترجمه مجازی و استعاری آن، حتی به صورت ارتباطی و در داخل پراکنش نیز اشاره نکرده است. این موضوع سبب شده تا مخاطب زبان فارسی به راحتی نتواند با ترجمه ایشان ارتباط برقرار نماید. چنین به نظر می‌رسد که زیاده‌روی در ایراد ترجمه‌ای کاملاً تحت‌اللفظی و افراط در حفظ امانت سبب گردیده تا مضمون اصلی استعاره به مخاطب منتقل نشود. با اندکی تأمل در ترجمه حداد عادل، دریافت می‌شود که ترجمه ایشان، از منظر ساختارهای مجازی از جمله استعاره، چندان یکسان و هماهنگ نیست، بلکه وی گاه به شکل لفظ به لفظ و معادل، گاهی معنایی و گاه نیز ارتباطی ترجمه کرده است.

۲-۷-۲- ترجمه مجاز مرسل

۱. ﴿وَبَيِّنَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (الرحمن: ۲۷)

(و آنکه باقی است، ذات شکوهمند و بزرگوار پروردگار توست.) (معنایی)

۲. ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ﴾ (آل عمران: ۱۷۳)

(آن‌ها که چون مردم بدان‌ها گفتند: (انبوه) مردم برای جنگیدن با شما گرد آمده‌اند.) (تحت‌اللفظی)

۳. ﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ (مزمّل: ۱۷)

(... از روزی که کودکان را پیر می‌کند) (تحت‌اللفظی)

نمونه دیگری از ناهمسانی ترجمه در ساختارهای مجازی، به ویژه مجاز مرسل، ترجمه معنایی «وَجْهَ رَبِّكَ» است که مجاز مفرد مرسل به علاقه جزئیه بوده و منظور از آن «ذات ربّک» است. (سیوطی، ۱۹۷۴: ۳، ۱۲۳) حداد عادل معنای مجازی آیه را آورده و آن را به بهترین شیوه به واژه «ذات» برگردان نموده و ترجمه‌ای درست، قابل فهم و معنایی از آیه به دست داده است. واژه «وجه» در این ترجمه، به طور شفاف بر معنای مقصود یعنی «ذات» اقدس خداوند متعال دلالت دارد. روشن است که معنای تحت‌اللفظی، اولیه (حقیقی) این واژه، بی‌شک صورت و چهره فیزیکی را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند؛ بنابراین ترجمه معنایی و ارتباطی، بهترین روش در ترجمه این‌گونه ساختارهای مجازی است.

در آیه ۱۷۳ سوره آل عمران واژه «النّاس» مجاز مرسل مفرد است (سیوطی، ۱۹۷۴: ۳، ۵۱) و منظور از آن مطابق نظر غالب تفاسیر «نعیم بن مسعود اشجعی» است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴، ۱۳۶؛ ابوحیان اندلسی، ۲۰۰۱: ۲، ۴۶۴؛ طبرسی، بی تا: ۲۰، ۴۳) در تفسیر کشف نیز نقل شده است که نعیم بن مسعود از جانب ابوسفیان با وعده ده شتر مأمور شد تا مردم را بترساند و آنان را از وعده جنگ احد منصرف نماید. (زمخشری، بی تا: ۱، ۴۶۸) بنابراین، «النّاس» دو معنا دارد: یکی معنای حقیقی و تحت‌اللفظی و دیگری معنای مجازی که با توجه به تفاسیر قابل بازیافت است. ترجمه حداد عادل تحت‌اللفظی و مبهم است و نمی‌تواند معنا را به طور شفاف به مخاطب فارسی-زبانی که معنای مجازی «النّاس» را نمی‌داند، انتقال دهد. مترجم محترم، معنای مجازی واژه «النّاس» را با استفاده از

روش معنایی یا ارتباطی در ترجمه انتقال نداده و لذا مساعدتی هم در انتقال معنا به مخاطب نکرده و نتوانسته غبار معنا را از جان مخاطب بزداید. بر این اساس است که در ترجمه ساختارهای مجازی مانند کنایه، استعاره، مجاز مرسل و ... ترجمه تحت‌اللفظی هرگز توصیه نمی‌شود. با تأمل در ترجمه آیه ۱۷ سوره مزمل، قابل درک است که ترجمه حدّاد عادل کاملاً تحت‌اللفظی است؛ زیرا پیر شدن کودکان را به زمان نسبت داده است: (روزی که کودکان را پیر می‌کند)، حال آن که فاعل حقیقی «شدّت هول و هراس روز قیامت» است که سبب پیر شدن کودکان می‌شود، نه زمان که فقط ظرفی برای پیر شدن کودکان است. «نُسِبَ الْفِعْلُ إِلَى الظَّرْفِ لَوْقُوعِهِ فِيهِ» (سیوطی، ۱۹۷۴: ۳، ۱۲۱) بنابراین، اگر مترجم محترم با استفاده از روش ترجمه ارتباطی، همانند (روزی که) (شدّت هول و هراس آن) کودکان را پیر می‌کند) این ابهام را - که فاعل هول و هراس آن روز است نه خود روز - از ترجمه برطرف می‌نمود، بدون تردید ترجمه مطلوب‌تری ارائه می‌شد. شایان توجه است که استفاده نکردن از توضیح و تفسیر برای ترجمه ساختارهای مجازی اغلب سبب برخی چالش‌های معنایی در این حوزه از ترجمه آقای حدّاد عادل شده است. با بررسی موردی ترجمه حدّاد عادل مشخص می‌شود که ایشان در عرصه ترجمه ساختارهای مجازی به گونه یکسان و هماهنگ عمل ننموده، بلکه از روش‌های مختلفی همانند روش تحت‌اللفظی، معنایی و معنایی-ارتباطی استفاده نموده که در برخی موارد روش تحت‌اللفظی در انتقال معانی مجاز، کارگر نیفتاده است.

۲-۸- یکسان‌سازی در ترجمه ساختارهای اسمی - فعلی قرآن

غالب مترجمان، معنای تجدد و حدوث را که با ساختار فعل در زبان فارسی یکسان است، در ترجمه آیات قرآن ذکر نموده‌اند، اما برای برگردان فارسی ساختارهای اسمی بدون توجه به مفهوم استقرار، ثبوت و استمرار، چندان موفق نبوده‌اند. از جمله این مترجمان، آقای حدّاد عادل است که به نمونه‌هایی از این ناهماهنگی و ناهمسانی در ترجمه ایشان در تطبیق با این ساختار مشهور بلاغی قرآن پرداخته می‌شود. نگارنده بر آن است با ذکر نمونه‌هایی از اسلوب فعلی-اسمی در این ترجمه، به همراه بررسی تطبیقی و مقایسه آن، با برخی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، ثابت نماید که این ترجمه، تشابه و همسانی در انتقال و برگردان این گونه ساختارهای بلاغی را رعایت نکرده است.

۱. ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ (أنفال: ۳۳)

(حدّاد عادل: مادام که تو در میانشان هستی، خدا بر آن نیست که عذابشان کند، همچنین مادام که در پی مغفرت و بخشایش باشند، خدا عذابشان نخواهد کرد.)

(خرمشاهی: ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را عذاب نخواهد کرد و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند.)

(فولادوند: و [لی] تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلب آمرزش می‌کنند، خدا عذاب‌کننده ایشان نخواهد بود.)

۲. ﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا﴾ (غافر: ۶۱)

(حدّاد عادل: الله آن خدایی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیارامید و روز را روشنی‌بخش ساخت.)

(مشکینی: خداوند همان است که شب را برای شما قرار داد تا در آن سکونت و آرامش یابید، و روز را روشن و روشنی بخش نمود (تا به کار و کوشش پردازید).)

(بهرام پور: خدا کسی است که شب را برای شما پدید آورد تا در آن آرام گیرید، و روز را روشن ساخت.)
در آیه اول، خداوند متعال ابتدا از فعل مضارع «یَعَذَّبُ» استفاده نموده و مانع عذاب را به وجود مبارک نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) مقید نموده است. سپس اسم «مَعَذَّبُ» را به استغفار و طلب بخشش مقید ساخته و استغفار را مانعی ثابت در مقابل عذاب دانسته است. ملاحظه می شود که در قسمت اول آیه، خداوند متعال از فعل «یَعَذَّبُ» استفاده نموده که مفید تجدد و حدوث به زمان معین و خاصی است و حتماً پایانی دارد؛ زیرا وجود مبارک حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مقطعی بوده و با فوت ایشان مانع آن عذاب نیز از بین می رود. به همین علت از فعل «یَعَذَّبُ» استفاده نموده است. اما در قسمت دوم استغفار و طلب بخشش را مانعی مستمر و ثابت برای دفع عذاب قرار داده است؛ بدین معنا که تا زمانی که استغفار و طلب بخشش از خداوند، سلاح آنان باشد، از عذاب الهی به دور خواهند بود. به همین سبب است که از اسم «مَعَذَّبُ» استفاده نموده است. «استغفار» مفهومی دائمی و جاری در زمان است، حال آن که وجود مبارک حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مقید به مقطع زمانی خاص است؛ بنابراین هر یک از عناصر فعلی و اسمی با دقت در جایگاه شایسته و درست خود واقع شده است. مترجمان، باید در ترجمه این گونه الگوهای بلاغی، اصل یکسانی را در ترجمه تجدد و حدوث افعال و نیز استمرار و ثبوت مخصوص اسمها در نظر بگیرند تا بدین وسیله ترجمه ای فصیح، متعادل و مطابق با زبان مبدأ ارائه نمایند. در ترجمه حداد عادل و خرمشاهی معنای حدوث «یَعَذَّبُ» در ترجمه منعکس نشده، بلکه هر دو مترجم، فعل «یَعَذَّبُ» و اسم «مَعَذَّبُ» را به صورت مطلق ترجمه نموده اند؛ یعنی معنای اسم بودن و فعل بودن کلمات را در ترجمه از منظر بلاغت مراعات نکرده اند، اما فولادوند معنای ثبوت و استمرار داشتن «مَعَذَّبُ» را از طریق استخدام عنصر اسم منعکس کرده است.

در آیه ۶۸ سوره غافر نیز دو عنصر فعلی «لَتَسْكُنُوا فِيهِ» و اسمی «مُبْصِرًا» در مقابل یکدیگر به کار رفته است که با دقت در ترجمه ی اسم «مُبْصِرًا» در میان مترجمان، روشن است که ترجمه حداد عادل، فولادوند و مشکینی با معنا و دلالت اسم بودن «مُبْصِرًا» کامل معادل و مطابق است، اما بهرام پور این موضوع را در ترجمه خود نادیده انگاشته است.

۹-۲- یکسان سازی در حذف و اضافه

از دیگر مسائل مطرح در ترجمه حداد عادل فقدان همسانی در ترجمه برخی عناصر زبانی، همانند ادوات تأکید، واو عطف، واو استیناف و ... است که در آیات بسیاری این عناصر را ترجمه نموده و در بسیاری دیگر همان عناصر را نادیده انگاشته است.

ایشان در ترجمه ادوات حصر «إِنَّمَا» دقت نظر بیشتری داشته و بیش از نیمی از آنها را در ترجمه خویش برگردان نموده است. (مصطفوی نیا، ۱۳۹۳: ۱۴۲) که این موضوع، حاکی از دقت بالای مترجم در دستیابی به ترجمه ای معادل، وفادار و امین به زبان قرآن است، اما برخی دیگر از موگدها همانند «إِنَّ»، «ضمیر فصل»، «نون تأکید» و ... از

شدت توجه و عنایت کمتری در ترجمه حدّاد عادل برخوردار است. در زیر به نمونه‌هایی از ادوات تأکید، از جمله «إِنَّ»، «ضمیر فصل» و «نون تأکید» پرداخته می‌شود که در ترجمه حدّاد عادل منعکس نشده است:

﴿أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ﴾ (بینه: ۶)

(آنها بدترین خلائق‌اند.)

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ (کوثر: ۱)

(ما به تو کوثر داده‌ایم.)

﴿مِمَّا لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (تکواثر: ۸)

(آنگاه در چنان‌روزی از شما درباره آن نعمت (بزرگ که داشته‌اید) سؤال خواهد شد.)

مترجم، بسیاری از حروف و کلمات تأکیدی مانند «إِنَّ»، «إِنَّمَا»، «نون تأکید»، «ضمیر فصل» و ... را در زبان فارسی، گاهی مستقیم و گاهی نیز «به صورت غیرمستقیم و غیرکلیشه‌ای» (خرمشاهی، ۱۳۸۸: ۴۸۷) معادل‌سازی و برگردان نموده است که در زیر به نمونه‌هایی از آنها، پرداخته می‌شود:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (أنفال: ۶۹)

(... که همانا خدا آمرزنده‌ای مهربان است.)

﴿لَتَرُونَ الْجَحِيمَ﴾ (تکواثر: ۶)

(بی‌گمان جهنم را (به مدد آن دانستن) به چشم می‌دیدید.)

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا﴾ (آل عمران: ۱۶۹)

(هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند.)

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ بَحْشَاهَا﴾ (نازعات: ۴۵)

(تو فقط هشداردهنده‌ای هستی برای آن کس که از آن بترسد.)

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد مترجم، اصل یکسانی را در مورد ادوات تأکید، به ویژه «إِنَّ» رعایت نکرده‌اند و در سراسر ترجمه ایشان، ترجمه ادوات تأکید دچار نوسان و ناهماهنگی است و شایسته‌تر بود که مترجم در ترجمه ادوات تأکید، اصل یکسان‌سازی را رعایت می‌کردند؛ زیرا این ناهمگونی در ترجمه آیاتی با عناصر زبانی یکسان، درست به نظر نمی‌رسد؛ به ویژه اینکه خود مترجم بر ترجمه‌ناپذیری «إِنَّ» در زبان فارسی تأکید نموده است.

(یزدی، ۱۳۹۰: ۷-۹؛ خرمشاهی، ۱۳۸۸: ۴۸۷)

۲-۱۰- یکسان‌سازی در تفسیرها و تقدیرها

مترجمان معاصر اغلب برای ارائه ترجمه‌ای روان و خوش‌فهم، گاه اضافات و توضیحاتی در درون متن اصلی ترجمه می‌کنند که از اصل ترجمه به وسیله پرانتز، قلاب، دوکمان و ... تفکیک شده است. اما نکته قابل توجه این است که این تقدیرها و تفسیرها باید در آیات و موضوعات مشابه، یکسان باشد. با تأملی کوتاه در ترجمه حدّاد عادل ملاحظه می‌شود که ترجمه ایشان از منظر حذف و اضافه برخی عناصر ترجمه، یکسان و هماهنگ نیست و بر

روش واحد و یکسانی اهتمام نداشته است؛ برای مثال، در آیات ۴۷ و ۱۲۲ سوره بقره که کاملاً از نظر لفظی شبیه هم است و تفاوت سیاقی نیز ندارند، آیه ۴۷ عبارتهای اضافی و توضیحی در داخل دو کمان دارد:

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره: ۴۷)

(ای بنی اسرائیل، به یاد آرید آن نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم و (به یاد آرید که) بر جهانیان (آن روزگار) برتری تان بخشیدم.)

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۲)

(ای بنی اسرائیل، آن نعمت مرا، که بر شما ارزانی داشتم و بر جهانیان (آن روزگار) برتری تان دادم، به یاد آرید.)

در آیات فوق، چنین به نظر می‌رسد که مترجم توضیحات تفسیری را در آیات مشابه، به شکل یکسان و یک‌دست ارائه نکرده است، بلکه در آیه ۴۷ سوره بقره توضیحات تفسیری بیشتری نسبت به آیه ۱۲۲ عرضه کرده است.

از دیگر نمونه‌های ناهمسانی در ارائه تفاسیر و توضیحات می‌توان به آیه ﴿أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ﴾ اشاره نمود که در آیات (طور: ۴۰ و قلم: ۴۶) تکرار شده است. این آیه، در سوره طور به شکل (یا) (تو ای پیامبر) مگر مزدی از آنان خواسته‌ای و بار غرامت بر دوششان سنگینی می‌کند؟) ترجمه شده، اما در سوره قلم با افزودن کلمه پرسشی «یا» در اول ترجمه و نیز حذف اضافه تفسیری «تو ای پیامبر»، ساختار ترجمه آیه را متفاوت و ناهم‌هنگ نموده است: (مگر مزدی از آنان خواسته‌ای و بار غرامت بر دوششان سنگینی می‌کند؟)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود کلمه «یا» و عبارت «تو ای پیامبر» تنها در ترجمه سوره طور آمده است و در سوره قلم ذکری از آن نیست. این دوگانگی در ترجمه نشان‌دهنده بی‌توجهی و بی‌دقتی ایشان در مبحث یکسان‌سازی توضیحات و تفاسیر است.

نتیجه‌گیری

۱) بررسی ترجمه قرآن حداد عادل نشان می‌دهد مترجم به اصل یکسان‌سازی در تمام ابعاد آن اعم از کلمات (اسم، فعل، حرف)، ترکیبات، جملات، آیات متشابه، ساختارهای نحوی، بلاغی و ... توجه کافی نداشته و ترجمه آیات مشابه در شرایط یکسان، یک‌دست و هماهنگ نیست.

۲) این ترجمه، علی‌رغم سلاست و شیوایی، به دلیل رعایت نکردن اصل یکسان‌سازی مشتابهات لفظی قرآن کریم، فاقد انسجام متنی است. در این ترجمه، مشتابهات لفظی، اعم از اسم، فعل، حرف و ساختارهای نحوی - بلاغی و ...، به جز مواردی همچون وجوه و نظایر که استثناست و باید متفاوت ترجمه شود، یک-دست و هماهنگ ترجمه نشده و این موضوع از ارزش و اعتبار ترجمه کاسته است.

۳) علاوه بر اختلاف در الفاظ مشترک، گاهی اختلاف در نوع ترجمه نیز وجود دارد؛ بدین معنا که مترجم، یک آیه را تحت اللفظی و دیگری را معنایی و .. ترجمه نموده است.

۴) در مجموع می‌توان گفت این ترجمه از آیات مشابه و همسان، ناقص است. آن بخش از مبانی ترجمه که علمی و کاربردی است، به طور نسبی رعایت شده، ولی آنچه به سطح عنایت و توجه مترجم به آیات متشابه مربوط می‌شود، موجب بروز کاستی در ترجمه ایشان شده است.

۵) مترجمان کلاسیک برای شناسایی متشابهات لفظی، ابزاری جز حافظه نداشتند و ناگزیر نفوذ پاره‌ای ناهمسانی‌ها در ترجمه ایشان اجتناب‌ناپذیر می‌نمود، اما مترجمان معاصر، می‌توانند با توجه به کتب و جوه و نظایر و نیز با استفاده از نرم‌افزارهای مختلف، ترجمه‌ای دقیق، هماهنگ و استوار ارائه نمایند.

منابع

قرآن کریم

- أبوحيان أندلسی، محمد بن يوسف، (۲۰۰۱): تفسیر البحر المحیط، تحقیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود و الشیخ علی محمد معوض، بیروت: دارالنشر و دارالکتب العلمیة.
- امانی، رضا و لیلا زربخش و ام‌البین فهادی، (۱۳۹۲): «روش‌شناسی و نقد ترجمه مجاز در قرآن کریم»، فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب، شماره ۶، سال سوم، ص ۶۹-۸۹
- جزائری، أبوبکر، (۲۰۰۳): *أیسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، المدینة المنورة: مکتبه العلوم والحکم.*
- جواهری، سید محمدحسن، (۱۳۸۳): «پژوهشی در اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن»، نشریه پژوهش و حوزه، سال پنجم، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۴۹-۷۳.
- حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۹۰): ترجمه قرآن کریم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حسن، عباس، (بی‌تا): *النحو الوافی*، بیروت: دارالمعارف.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۸۶): بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم، قم: مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی.
- _____، (۱۳۹۱): *ترجمه‌ای مفهوم‌گرایانه با نثر معیار، بی‌جا: مؤسسه فرهنگی هنری نور راسخون.*
- درویش، محیی‌الدین، (۱۴۱۵): *إعراب القرآن و بیانه، حمص: دارالإرشاد للشئون الجامعیة.*
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی‌تا): *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان الداودی، دمشق و بیروت: دارالقلم والدار الشامیة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۶): *منطق ترجمه قرآن*، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رکنی یزدی، محمدمهدی، (۱۳۹۰): «بایستگی ترجمه قرآن در گذر زمان با نگاهی به ترجمه غلامعلی حدّاد عادل»، مجله مشکوه، شماره ۱۱۱، ص ۱۶۱.
- زمخشری، محمود بن عمر، (بی‌تا): *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی جوه التأویل*، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۹۷۴): *الإتقان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد أبو‌الفضل إبراهیم، بیروت: الهیئة المصریة العامه للکتاب،
- صافی، محمود بن عبد الرحیم، (۱۴۱۸): *الجدول فی إعراب القرآن الکریم*، دمشق: دارالرشید.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷): *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰): *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه علی کرمی، تهران: انتشارات فراهانی.

قرطبي، شمس الدين، (٢٠٠٣): *الجامع لأحكام القرآن*، تحقيق: هشام سمير البخاري الرياض، المملكة العربية السعودية: دار عالم الكتب.

كريمي نيا، مرتضى، (١٣٧٦): «يكساني و هماهنگي ترجمه قرآن»، مجله ترجمان وحی، سال اول، ش ١، ص ٧-٢٤.

مجلسي، محمد باقر، (بی تا): *بحار الأنوار*، بيروت: مؤسس ه الوفاء.

مصطفوی نیا، سیدمحمدرضی، (١٣٩٣): «نقد ساختار ترجمه حداد عادل و طاهره صفارزاده (بررسی موردی ضمیر

فصل)»، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ١، شماره ١، ص ١١٥-١٤٦.

معروف، یحیی، (١٣٨٠): *فن ترجمه*، تهران: سمت.

نجار، علی، (١٣٨١): *اصول و مبانی ترجمه قرآن*، رشت: کتاب مبین.